

بررسی آثار ورود اخلاق در مدل رشد (تحلیل نظری - ریاضی)

sh.arabi@qom.ac.ir
a.zn90@yahoo.com

کسب سیدهادی عربی / دانشیار گروه اقتصاد اسلامی دانشگاه قم
آیت‌الله زنگی‌نژاد / دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه قم
دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۰ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۳

چکیده

یکی از مباحث جدید در ادبیات اقتصاد توسعه بررسی رابطه اخلاق و رشد اقتصادی است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و استفاده از ابزارهای ریاضی به بررسی ارتباط بین اخلاق، به‌ویژه اخلاق و حیانی با مدل‌های رشد، می‌پردازیم. در این زمینه سوال‌های مطرح است؛ از جمله اینکه آیا می‌توان بین اخلاق و مدل رشد اقتصادی ارتباط برقرار کرد؟ این ارتباط چگونه و از طریق چه متغیرهایی صورت می‌گیرد؟ و بالاخره، ورود اخلاق در مدل رشد، چه آثاری به دنبال خواهد داشت؟ براساس یافته‌های پژوهش، هنجارهای اخلاقی، به‌ویژه هنجارهای اخلاقی و حیانی، ارتباطی قوی با رشد اقتصادی دارند. ورود عامل اخلاق در مدل، از دو طریق بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد: الف. هنجارهای اخلاقی و حیانی، موجب افزایش بهره‌وری نهاده‌های تولید و تقویت سرمایه اجتماعی اسلامی می‌شود. ب. هنجارهای اخلاقی و حیانی می‌تواند بر رفتار مصرف‌کننده اثر گذاشته و موجب افزایش صرفه‌جویی، افزایش تمایل به پس‌انداز و انباشت سرمایه و البته جلوگیری از اتلاف منابع گردد. بر این اساس، ورود عامل اخلاق و حیانی هم سطح رشد و هم نرخ رشد را افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، اخلاق اسلامی، مدل‌های رشد اقتصادی، سرمایه اجتماعی.

طبقه‌بندی: JEL: O13, Z13

برای یافتن روش‌هایی برای رسیدن به سطح درآمد سرانه و در نتیجه، رفاه بالاتر برای ساکنین یک کشور، اقتصاد متعارف در راستای حصول به این مقصود، ادبیات گسترده‌ای تحت عنوان «مدل‌های رشد» شکل گرفته که سالیان متمادی تغییرات زیادی در آن رخ داده است. در این زمینه، تلاش شده تا این مدل‌ها بتوانند واقعیت‌های بیشتری از فرایند رشد کشورها را نشان دهند. در این راستا، متغیرهایی مانند سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی، وارد مدل‌های مذکور گردیده و تأکید بیشتری بر درون‌زایی مدل‌های رشد شده است. این الگوها، می‌توانند ابزاری فراهم کنند تا از طریق آن، امکان تخمین منابع رشد اقتصادی جامعه فراهم آید و رشد اقتصادی آینده نیز پیش‌بینی شود تا از این طریق، عناصر مؤثر بر رشد شناسایی و نحوه ارتباط بین آنها مشخص می‌گردد. از سوی دیگر، در علوم اجتماعی که امکان بررسی تجربی روابط متغیرها به سختی فراهم می‌شود، این مدل‌ها می‌توانند با استفاده از شبیه‌سازی و به‌کارگیری روش‌هایی مانند اقتصاد آزمایشگاهی، سهم قابل توجهی در شناسایی بهتر روابط و آثار متغیرها داشته باشند. به علاوه بسیاری از اوقات الگوها، نتایجی به بار می‌آورند که ابتدا، به شدت متناقض به نظر می‌رسند، اما همین مدون بودن الگوها، ما را در کشف ریشه‌های تناقض یاری می‌رسانند (جونز، ۱۳۷۰، ص ۱۴-۱۵).

معمولاً در اقتصاد متعارف چنین فرض می‌شود که اقتصاد علمی اثباتی و خالی از ارزش است و هیچ ارتباطی با اخلاق و اخلاقیات ندارد. از سوی دیگر، مطالعات اقتصاددانان مسلمان تاکنون عمدتاً بر نظریات مصرف، سرمایه‌گذاری و پول متمرکز بوده است. سرانجام، به دلیل حاکمیت اصول دین مبین اسلام و هنجارهای اخلاقی بالقوه آن بر زندگی مردم ایران و لزوم عنینت بخشیدن به این اصول در رفتارهای اقتصادی فعالان اقتصادی و اهمیت بهبود کیفیت زندگی مردم از منظر دین اسلام و تأکید اسلام بر رعایت اصول اخلاقی در رفتارهای اجتماعی - اقتصادی، در این پژوهش بر آن شدیم تا جایگاه اخلاق در نظریه رشد و چگونگی ورود این متغیر در مدل رشد را بررسی کنیم. بدین منظور، این مطالعه با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و روش‌های تحلیلی - توصیفی و استفاده از ابزارهای ریاضی، در پی بررسی این است که آیا می‌توان بین اخلاق و مدل رشد اقتصادی، ارتباطی برقرار کرد؟ این ارتباط، چگونه و از طریق چه متغیرهایی صورت می‌گیرد؟ بالاخره، ورود اخلاق در مدل رشد، چه آثاری خواهد داشت؟

پیشینه پژوهش

هرچند ادبیات مدل‌های رشد بسیار گسترده است، اما در مورد ارتباط مدل‌های رشد با اخلاق، مطالعات زیادی وجود ندارد. از این رو، مهم‌ترین مطالعاتی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع این مطالعه ارتباط دارند، به اختصار در دو بخش مطالعات داخلی و خارجی بررسی می‌شوند.

الف. مطالعات داخلی

عسگری و توحیدی‌نیا (۱۳۸۶)، تأثیر سرمایه اجتماعی (معنوی و مذهبی) بر رشد و توسعه اقتصادی را بررسی کرده،

نتیجه گرفته‌اند که برای رسیدن به سطح بالقوه رشد و توسعه اقتصادی مطلوب، باید بر انباشت سرمایه‌های اجتماعی در کنار سایر سرمایه‌ها تلاش کرد.

مهرگان و دلیری (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای نقش سرمایه مذهبی (اخلاق) در توسعه اقتصادی، چگونگی تولید سرمایه مذهبی از نگرش‌های اخلاقی را تبیین کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که نگرش‌های اخلاقی در قالب سرمایه مذهبی بروز می‌کنند و بر بسیاری از شاخص‌های توسعه اقتصادی، از جمله رشد اقتصادی، توزیع درآمد، عدالت، معرفت، کاهش جرم، افزایش رفاه و... اثر مثبت دارند.

رنانی و دلیری (۱۳۸۹)، با استفاده از چارچوب نظری اقتصاد خرد و مفهوم هزینه مبادله، چارچوب نظری تازه‌ای برای تبیین اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی و تولید ارائه داده، نشان داده‌اند که در دوره ۸۴-۱۳۷۹ (برای تمام استان‌های ایران) سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی و فیزیکی اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته است و کشش تولیدی سرمایه اجتماعی بین صفر و یک بوده که نشان از مرحله دوم تولید برای اقتصاد است. مصباحی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲)، در بررسی مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر اسلام، آثار مؤلفه‌هایی مانند ایمان و تقوا، شکر، اقامه حدود و احکام الهی، استغفار، توجه و استقامت در راه حق بر روی رشد اقتصادی را بیان کرده‌اند. این عوامل، گاهی مستقیم و گاهی غیرمستقیم موجب رشد می‌شوند.

شعبانی و همکاران (۱۳۹۲)، با روش‌های اقتصادسنجی داده‌های تابلویی فضایی، نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای شاخص توسعه انسانی را مورد آزمون قرار داده و نتیجه گرفته‌اند که سرمایه اجتماعی بر شاخص توسعه انسانی اثر مثبت دارد.

سوری (۱۳۹۳)، ارتباط بین رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی در ایران را بررسی کرده و مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی را اعتماد دانسته است. وی نتیجه می‌گیرد که سرمایه اجتماعی در کنار سایر عوامل تولید، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی داشته است، اما عوامل اقتصادی نیز می‌توانند نقش مهمی در بهبود و یا نزول سرمایه اجتماعی داشته باشند.

خلابویی و عزتی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «اخلاق در نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیستی و اسلام» چنین نتیجه گرفته‌اند که رعایت ارزش‌های اخلاقی اسلام، در حوزه اقتصاد موجب رفع ایرادات اساسی اخلاقی در دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی می‌شود و اخلاقیات اقتصادی را مجموعه‌ای از ضوابط و معیارها دانسته‌اند که کارگزاران اقتصادی با رعایت آن ضمن کسب منفعت شخصی، به منافع جامعه آسیب نمی‌رسانند و منافع اجتماعی را بیشینه می‌کنند و با این کار، رشد مطلوب اقتصادی همراه با شکوفایی ارزش‌های انسانی پدید می‌آید.

غفاری و همکاران (۱۳۹۴)، تأثیر بی‌ثباتی‌های اجتماعی (فقدان سرمایه اجتماعی)، بر رشد اقتصادی ایران در دوره ۱۳۹۰-۱۳۶۰ را به کمک روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی که یکی از روش‌های تحلیل داده‌های چندمتغیره است، بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه، بیانگر این است که به ترتیب سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و شاخص فقدان سرمایه اجتماعی، بر رشد اقتصادی مؤثر بوده‌اند. لذا بهبود شرایط اجتماعی می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند.

غفورزاده (۱۳۹۴)، با بررسی اخلاق هنجاری از منظر آیات قرآن کریم، چنین نتیجه گرفته که روح حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی، باید فضیلت‌گرایی به معنای داشتن حسن فاعلی و رعایت اعتدال در امور اقتصادی باشد. از سوی دیگر، باید وظیفه‌گرایی نتیجه‌گرا، به معنای ملزم بودن به دستورات الهی در زمینه اقتصادی و در عین حال، توجه داشتن به نتیجه سنت‌های اقتصادی قرآنی مدنظر فعالان اقتصادی قرار گیرد.

افخمی‌اردکانی و توکل (۱۳۹۵)، رابطه بین سبک زندگی اسلامی، سرمایه روان‌شناختی و سرمایه اجتماعی را، در قالب یک مدل علی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد سبک زندگی اسلامی (مبتنی بر اخلاق اسلامی)، بر روی سرمایه اجتماعی اثر مثبت و معنادار و بر سرمایه روان‌شناختی اثر مستقیم و معنادار دارد. سرمایه روان‌شناختی، در رابطه بین سبک زندگی و سرمایه اجتماعی، نقش میانجی را دارد.

علامه و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «تأثیر سرمایه اجتماعی بر تسهیم دانش و سرمایه فکری»، نشان داده‌اند که دو بُعد سرمایه اجتماعی (بُعد رابطه‌ای و بُعد شناختی)، بر تعمیم دانش تأثیر مثبت و معنادار دارند، اما تأثیر بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی، بر تعمیم دانش معنادار نیست. همچنین اثر تعمیم دانش بر سه بُعد سرمایه فکری (ساختاری، انسانی، رابطه‌ای)، مثبت و معنادار است.

ب. مطالعات خارجی

در بررسی متون خارجی، مطالعه خاصی که به موضوع مقاله حاضر پرداخته باشد، مشاهده نشد. اما به برخی از مطالعات در زمینه رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی اشاره می‌شود.

گیوسو و همکاران (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مالی»، سرمایه اجتماعی را با استفاده از شاخص‌های متعددی مانند سطح مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها، حضور در انتخابات و شهروندی، اندازه‌گیری نموده و با تحلیل‌های آماری و روش اقتصادسنجی، نتیجه می‌گیرند افزایش سطح سرمایه اجتماعی بر توسعه مالی در ایتالیا اثر مثبت دارد و موجب افزایش سرمایه‌گذاری و دسترسی به بازار سهام می‌شود.

هی یرپ (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی»، با روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا استنتاج کرده است که سرمایه اجتماعی، به‌واسطه اثرگذاری بر سرمایه‌گذاری، منجر به افزایش رشد اقتصادی شده و همچنین بی‌ثباتی اجتماعی اثری منفی بر رشد اقتصادی دارد.

آی‌یر و همکاران (۲۰۰۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی و توسعه ناحیه‌ای»، با استفاده از مقایسه آماری و روش تحلیل اقتصادسنجی در آمریکا، به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه اجتماعی موجب ایجاد و تقویت سایر سرمایه‌ها از قبیل سرمایه انسانی می‌شود.

وتسلیند و آدام (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصاد»، فراتحلیلی بر ۶۵ مطالعه، تحقیقات تجربی سال‌های (۱۹۹۳ تا ۲۰۰۸)، درباره نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد اقتصاد را خلاصه کرده و با استفاده از روش تحلیل توصیفی - مقایسه‌ای، نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی نقشی برجسته و مثبت بر کارایی بنگاه‌ها و افزایش تولید داشته است.

ریلی (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای به نام سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و توسعه اقتصادی با روش توصیفی - تاریخی استنتاج می‌کند که سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی موجب ارتقاء توسعه اقتصادی می‌شوند. ری (۲۰۱۲)، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را از طریق سه مدل و با استفاده از روش تحلیل ریاضی بررسی کرده و دریافته که سرمایه اجتماعی، معمولاً از دو طریق اثر بر فرایند نوآوری و محصولات تولیدی بر رشد اقتصادی صورت می‌گیرد.

تامپسون (۲۰۱۵)، با استفاده از روش تحلیل ریاضی رابطه نوآوری، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را با توجه به رشد اقتصادی در کشورهایی مانند استرالیا، انگلستان و آمریکا بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی موجب بهینه‌سازی شرایط نوآوری برای نوآوران شده و می‌تواند از این طریق، رشد اقتصادی را تشدید کند. ناربرت قوتز (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «اخلاق اقتصادی، تاریخچه مفهومی و دیدگاه تحلیلی» بیان کرده است که مفهوم «اقتصاد اخلاقی» به ما کمک می‌کند تا راه‌های جایگزین بهینه‌سازی مطلوبیت، با مفهوم نوع‌دوستانه برای مبادلات اقتصادی را بشناسیم.

اگیلر (۲۰۱۶)، آثار سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی کشورهای آمریکای شمالی و جنوبی را با روش اقتصادسنجی و داده‌های ترکیبی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در این کشورها وجود داشته است.

سیمون و همکاران (۲۰۱۶)، در مطالعه خویش با استفاده از روش اقتصادسنجی، روی داده‌های ترکیبی در آمریکا، دریافته‌اند رابطه مستقیمی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی بنگاه‌ها و فرایند تحقیق و توسعه وجود دارد. آنان دریافته‌اند که افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب بهبود کارایی و میزان تولید بنگاه‌ها و در نتیجه، رشد اقتصادی می‌شود.

آندرس مورنو و همکاران (۲۰۱۸)، یک مدل رشد درون‌زا بر پایه سرمایه اجتماعی برای تبیین رشد بلندمدت در اکوادور ارائه کرده‌اند. آنها از یک تابع تولید کاب داگلاس، مشتمل بر سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی استفاده کرده‌اند و با استفاده از اطلاعات آماری اکوادور از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ و روش‌های تحلیل اقتصادسنجی نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی موجب افزایش کارایی سایر عوامل تولید می‌شود.

آنچه این مطالعه را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، این است که این مطالعه تلاش دارد با استفاده از ابزار ریاضیات، اخلاق را در مدل‌های نظری رشد اقتصادی وارد کرده و آثار ورود برخی مؤلفه‌های اخلاق اسلامی در رشد اقتصادی را بررسی کند.

مبانی نظری

الف. مدل‌های رشد درون‌زا

رشد اقتصادی، عبارت از افزایش کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه، طی یک دوره معین است. در

مفهوم کلی، «افزایش کمی تولید در یک دوره مشخص نسبت به دوره مشابه» را رشد اقتصادی می‌گویند (تودارو، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶-۱۱۷). مدل‌های رشد اقتصادی نیز نظریاتی می‌باشند که برای تفسیر و توضیح واقعیت‌های مشاهده شده، در زمینه رشد؛ مانند وجود اختلاف زیاد در درآمدهای سرانه اقتصاد کشورها، تفاوت زیاد نرخ‌های رشد در میان کشورها، ثابت نبودن نرخ‌های رشد در طول زمان، ارتباط نزدیک رشد تولید با رشد حجم تجارت جهانی و کم بودن نرخ رشد کشورهای فقیر ارائه شده‌اند. مطالعات در زمینه رشد اقتصادی، شامل سه جریانی است که از نظر تاریخی و روش‌شناختی متفاوت است:

اولین جریان، کلاسیک است که پیشگامان آن دیوید هیوم و آدام اسمیت می‌باشند. این جریان در قرن هیجدهم شکل گرفت و با جان استوارت میل و کارل مارکس در اواسط قرن نوزدهم پایان یافت. الگوی تعادل ایستا و کوتاه‌مدت کینز، تأکید بر انباشت سرمایه، به‌ویژه سرمایه پولی از ویژگی‌های این جریان است. جریان دوم نئوکلاسیک، پیشرفت تکنولوژی را به‌عنوان عامل برون‌زا و انباشت سرمایه را به‌عنوان عامل درون‌زای رشد تولید در نظر می‌گیرد. آثار مؤثر در این جریان، متعلق به محققینی مانند رابرت سولو، سیسمون کوزنتس (Sismon Kuznets)، موزز آبراموویتز (Moses Abramovitz) است. گرچه رهیافت مدل رشد نئوکلاسیک، می‌تواند با مد نظر قرار دادن نهاده سرمایه انسانی در الگو، بخش عمده‌ای از تفاوت‌های مشاهده شده در سطوح درآمد میان کشورها را توضیح دهد، ولی منتقدین الگوی رشد نئوکلاسیک، بر این باور بودند که این الگو، از توضیح رشد مستمر ناتوان است. از این‌رو، دانشمندان و اقتصاددانان مدل دیگری را معرفی کردند که مدل رشد درون‌زا نامیده شده است (ابریشمی و منظور، ۱۳۷۸).

جریان درون‌زا جریان سوم، مدل‌های رشد است که فرضیات نئوکلاسیک و کلاسیک‌ها در مورد بازارهای ایدئال و بازده نزولی عوامل، به‌ویژه سرمایه را رد می‌کند. رشد درون‌زا، با تأکید بر این نکته که رشد اقتصادی، پیامد سیستم اقتصادی است؛ نه نتیجه نیروهای وارده از خارج، خود را از رشد نئوکلاسیکی متمایز می‌سازد. چهره‌های اصلی این جریان کنت ارو (Kenneth Joseph Arrow)، رابرت لوکاس و گروسمن (Gene Michael Grossman) می‌باشند (پژوهان و فقیه نصیری، ۱۳۸۸).

تئوری رشد درون‌زا، مفهومی ساده برای رشد اقتصادی است که از درون سیستم تحقق پیدا می‌کند. منظور از «سیستم»، سازوکار حاکم بر اقتصاد یک کشور می‌باشد. لذا درون‌زایی رشد بر عوامل مؤثر بر رشد که در درون سیستم اقتصادی یک کشور ایجاد و تقویت می‌شوند، متمرکز می‌شود. ویژگی اصلی مدل‌های رشد درون‌زا، حذف بازدهی‌های نزولی نسبت به مقیاس است که به دو دسته مدل‌های مبتنی بر تحقیق و توسعه و مدل‌های مبتنی بر سرمایه تقسیم می‌شوند (مهرگان و سلطانی، ۱۳۹۳). نظریه‌های سستی رشد بر تجارت تأکید داشتند و آن را موتور رشد می‌دانستند. درحالی‌که نظریه رشد درون‌زا بر روی آموزش، مهارت نیروی کار و توسعه تکنولوژی‌های جدید تأکید دارد (الفتی و بابایی، ۱۳۸۱). ویژگی اصلی مدل‌های رشد درون‌زا، وارد کردن سرمایه انسانی، به‌ویژه سرمایه

اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عنصر توضیح‌دهنده تفاوت رشد در جوامع مختلف است، در شرایطی که سرمایه فیزیکی و انسانی و تکنولوژی مشابهی دارند (بارو وای مارتین، ۱۳۹۶، ص ۳۲۱).

ب. سرمایه اجتماعی و رشد

سرمایه انسانی شامل آموزش‌ها، تخصص‌ها، مهارت‌ها و به‌طور کلی، کیفیت نیروی کار است (سوری و مهرگان، ۱۳۸۶). اما با توجه به نتایج تجربی راجع به نقش سرمایه انسانی، سؤال مطرح می‌شود که چرا با وجود امکان دستیابی به پیشرفت تکنولوژی برای همه کشورها و برخورداری اکثر آنها از نیروی کار تحصیل کرده رشد اقتصادی، در همه کشورها شکل نمی‌گیرد؟ از این رو، عامل دیگری به نام سرمایه اجتماعی مطرح شد. بر اساس تعاریف رایج، سرمایه اجتماعی بیانگر قابلیت اعتماد بین افراد، گروه‌ها، دولت و مردم است. در اقتصاد رایج، معمولاً ارتباط بین این اعضا از طریق توافقات اجتماعی و رفتارهای نوع‌دوستانه ایجاد می‌شود. هرچند این امر نیز در راستای منفعت‌طلبی قرار دارد؛ اما منفعت‌طلبی جمعی را هم از طریق تأثیر بر رشد سرمایه و در نتیجه، تا حدودی رشد تولید دربر دارد. وجود سرمایه اجتماعی، می‌تواند با تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، هزینه‌های آن را کاهش دهد. *فوکویاما* (۱۹۹۹)، سرمایه اجتماعی را مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (فوکویاما، ۱۹۹۹، ص ۵). *آگوئیلرا* معتقد است: سرمایه اجتماعی از طریق روابط فرد با افراد دیگر ایجاد می‌گردد (آگوئیلرا، ۲۰۰۲). *فیلد*، اعتقاد دارد هر چه مردم بیشتری را بشناسید و با آنان در بینش و نگاه مشترک باشید، در سرمایه اجتماعی ثروتمندتر خواهید بود (فیلد، ۲۰۰۳، ص ۸۴). در جوامع غیردینی، معمولاً مبنای تعاملات اجتماعی قراردادهای اجتماعی و اخلاقیات انسانی است. هم قراردادهای اجتماعی و هم اخلاقیات سکولار، برای ایجاد همبستگی و اعتماد متقابل نیرومند ظرفیت کمی دارند. در جامعه اسلامی، تعاملات اجتماعی و اخلاقیات ناشی از وحی الهی است و لذا سرمایه اجتماعی موجود، بسیار نیرومندتر و نافذتر است.

با وجود اینکه در مورد اجزای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی، اظهارنظرهای گوناگونی وجود دارد، اما کلمن (۱۹۹۰) مؤلفه‌هایی مانند تعهدات و انتظارات افراد نسبت به یکدیگر، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی، سازمان‌های اجتماعی انطباق‌پذیر، اعتماد (اتحاد اجتماعی درون جامعه و اعتماد بین نژادهای مختلف)، مشارکت‌های مدنی و سیاسی، بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت مذهبی و عدالت، در مشارکت مدنی را عوامل تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی می‌داند (عسگری و توحیدی‌نیا، ۱۳۸۶). مطالعات عیدیه‌ای بیانگر اثر سرمایه اجتماعی بر رشد و رفاه اقتصادی می‌باشند. برای مثال، بانک جهانی شاخص درجه باور و اعتماد (اطمینان‌پذیری) را به عنوان مقیاسی از سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند که رابطه مثبتی با میزان بالاتر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری دارد (بانک جهانی، ۱۹۹۷).

اسمالدرس (Smulders) (۲۰۰۴)، الگوی زیر را برای ورود سرمایه اجتماعی در مدل رشد اقتصادی به کار برده است:

$$1. U = u(c, s)u'_c, u'_s \geq 0.$$

وی مطلوبیت را تابع دو متغیر، یعنی c کالاهای مصرفی و s تعاملات اجتماعی دانسته که با مشارکت بیشتر در شبکه‌های اجتماعی سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی نتیجه می‌شود. برای s دو نوع تعامل وجود دارد: ۱. تعامل با دوستان نزدیک و خانواده که شبکه f نامیده می‌شود. ۲. شبکه‌هایی که شامل تعامل با افرادی در طبقات اجتماعی دورتر است که با v نشان داده می‌شود. مصرف‌کننده، زمان n را برای کارکردن و کسب درآمد و ایجاد تعاملات اجتماعی باید تخصیص دهد که درآمد او شامل دو جزء درآمد حاصل از کار که با w نشان داده می‌شود و درآمدهای انتقالی که با x نشان داده می‌شود، است. بنابراین، بین مصرف و تعاملات اجتماعی رابطه زیر برقرار است.

$$2. C = (n - f - v)C'_f, u'_v < 0.$$

C درآمد قابل تصرف برای مصرف است. در این نگاه، سرمایه اجتماعی $(f + v)$ بر مصرف اثر منفی دارد. اما چنانچه تعامل با دیگران موجب جلب منفعت و درآمد شود، سرمایه اجتماعی اثر مثبت بر تولید و درآمد و در نتیجه، مصرف خواهد داشت. برای مثال، سرمایه اجتماعی v از فعالیت‌های مرتبط با بهره‌مالکانه جلوگیری می‌کند. از این رو، در شبکه‌های اجتماعی مترکمتر رانت‌خواران کمتر بوده و وقت افراد به جای رانت‌خواری و فعالیت‌های رانت‌خورانه بیشتر به تولید اختصاص می‌یابد.

ج. اخلاق و سرمایه مذهبی

منظور از «اخلاق» در این مقاله، هنجارهای اخلاقی به مفهوم رفتارهای اخلاقی انسان مانند صداقت، امانتداری، دگرخواهی است. در واقع این هنجارها، در دیدگاه‌های خدامحور مانند نگرش اخلاقی اسلامی ناشی از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلام، متفاوت از رفتارهای اخلاقی ناشی از دیدگاه‌های غیرخدا محور سکولار است. نباید از تفاوت‌های آثار عمل اخلاقی خدامحور و خالی از خداوند غافل شد. برای مثال، رفتار اخلاقی در نگرش سرمایه‌داری مبتنی بر جهان‌بینی دئیسم و مادی‌گرایی شکل گرفته، در نتیجه اغلب بر نتایج مادی رفتار تأکید دارد که به‌طور عموم، این نتیجه در بیشینه کردن مطلوبیت مادی نمود پیدا می‌کند. درحالی‌که در نگرش اسلامی، خداوند و دربی آن، معنویات در کنار زندگی مادی معقول، محور همه رفتارها در نظر گرفته شده است. از این رو، هنجارهای اخلاقی مبتنی بر ارزش‌های دینی حتی در مقایسه با هنجارهای مشابه (مبتنی بر اخلاق مادی) از استحکام، پایداری و نفوذ بیشتری برخوردار است.

هنجارهای مثبت، با پشتوانه دینی و ایمانی قدرت بیشتری یافته و رفتارهای اجتماعی را قوام و استحکام بیشتری بخشیده و تبدیل به سرمایه مذهبی می‌شود. سرمایه مذهبی، آن دسته از اعتقادات و باورهای کلان است که افراد بدون اینکه توسط نیروی بیرونی ملزم شوند، توسط ندای قلب و باورشان آن را پذیرفته و در رفتارها بدون هیچ الزام بیرونی بر اساس آنها عمل می‌کنند. به اجمال می‌توان گفت: وجود ایمان به خدا، جهان‌پس از مرگ، رسالت و هدایت الهی، معنویت و فرشتگان موجب می‌شود ساختارهای اعتقادی، عاطفی و عملکردی افراد به شدت تحت تأثیر قرار گیرد. قابل توجه است که در تعبیر «سرمایه مذهبی»، صرفاً منظور یک سرمایه در خدمت رشد

مادی و افزایش تولید نیست، بلکه مقصود انباشته‌های ایمانی و در نتیجه، انبوه باورها است که علاوه بر دستاوردهای معنوی و انسان‌ساز، یکی از برکات آن شکل‌دهی و بهبود رفتارهای اجتماعی و در نتیجه، ارتقای سرمایه اجتماعی جامعه مذهبی است. بنابراین، هرچند سرمایه مذهبی می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر مثبت داشته باشد، اما چنان‌که یادآوری شد، ارزش آن مبتنی بر ارزش‌های الهی و وحیانی است.

فوکویاما (۱۹۹۵)، در تقسیم‌بندی عوامل ساخت سرمایه اجتماعی، برخی از این عوامل را بیرونی و یکی از عوامل بیرونی را دین می‌داند که نشان از تأثیر سرمایه دینی بر تقویت سرمایه اجتماعی می‌باشد. افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند، ممکن است منشأ مشارکت باشند؛ مانند حضور و فعالیت در مساجد، تکایا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی. رابطه بین نهادهای اجتماعی دینی و شبکه‌های ارتباطی افراد، توجه جامعه‌شناسان زیادی را به خود جلب کرده است و پیام‌هایی که این نهادها به افراد جامعه ارسال می‌کنند و نظام‌هایی که افراد فراهم می‌آورند و شبکه‌های اجتماعی که ایجاد می‌کنند، همگی می‌توانند به‌عنوان منشأ و مبنایی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی عمل کنند (فوکویاما، ۱۹۹۵، ص ۲۵).

چنان‌که گفته شد، مهم‌ترین مؤلفه‌های ایجاد سرمایه اجتماعی که ارتباط وسیعی با سرمایه دینی دارند، وفای به عهد، صداقت، انصاف و همبستگی است. هرچند فلسفه این رفتارها در بینش سرمایه‌داری، قراردادهای اجتماعی بوده و در دیدگاه اسلامی، اعتقاد به خداوند و جهان آخرت و دینداری می‌باشد. در قرآن کریم، در آیات متعددی به وفای به عهد اشاره شده است و آن از خصائل نیکوکاران شمرده شده است (مؤمنون: ۸؛ بقره: ۱۷۷). در آیه ۳۴ سوره اسراء، خداوند متعال به وفای به عهد امر فرموده و آن را از مواردی شمرده است که مردم در پیشگاه الهی، مورد بازخواست قرار می‌گیرند. لزوم وفای به عهد، در اسلام از مقرراتی است که جنبه جهانی دارد و خاص امت اسلام نیست؛ یعنی مسلمانان نه تنها مکلف‌اند به پیمان‌هایی که با مسلمانان می‌بندند وفا کنند، بلکه وظیفه دارند نسبت به پیمان‌هایی که حتی با غیرمسلمانان می‌بندند، وفادار باشند (توبه: ۴). در روایات نیز وفای به عهد، نشانه دینداری دانسته شده است (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۷۲، ص ۹۶؛ قمی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۶۷۵). از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده که نزدیک‌ترین افراد روز قیامت نسبت به من، کسانی می‌باشند که در سخن راستگوتر، در ادای امانت کوشاتر و در عهد و پیمان از یکدیگر با وفاتر باشند (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲).

صداقت و راستگویی نیز در اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و از صفات خداوند متعال شمرده شده است: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء: ۸۷)؛ و چه کسی در گفتار از خدا صادق‌تر است؟ خداوند متعال، مؤمنان را به همراهی با راستگویان سفارش می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید» (توبه: ۱۱۹). آیه ۱۷۷ سوره بقره، اهل ایمان، انفاق، نماز، وفای به عهد و صبر در برابر مشکلات را صادق می‌شمارد و آیات ۱۵ سوره حجر و ۸ سوره حشر، مهاجران رنج کشیده و جان برکف را «صادق» شمرده است. در روایات نیز با تعابیر گوناگونی، بر راستگویی مسلمانان تأکید شده و آن را از اصول ایمان و دینداری به حساب آورده‌اند. امام علیؑ می‌فرماید: «نسبت راستی به دین، نسبت سر به بدن است» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶). امام صادقؑ می‌فرماید:

«فریب نماز و روزه مردم را نخورید؛ زیرا آدمی، گاه چنان به نماز و روزه خو می‌کند که اگر آنها را ترک گوید، احساس ترس می‌کند، بلکه آنان را به راستگویی و امانتداری بیازماید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۴).

اخوت در جامعه اسلامی، یک اصل متعالی در نظم دادن به جامعه است. یکی از آموزه‌های اجتماعی اسلام که می‌تواند نقش مهمی در ایجاد نظم و تسهیل کنش‌ها داشته باشد، اعتقاد به وجود رابطه برادری میان مسلمانان است. این امر موجب ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی به‌عنوان یک ارزش اعتمادآفرین خواهد شد. بر اساس این اصل مهم اسلامی، مسلمانان از هر نژاد و قبیله، دارای هر زبان و از هر منطقه جغرافیایی با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند. اصل اخوت، به درستی در یک جامعه اسلامی می‌تواند به صورت یک ارزش در بطن افراد جامعه نهادینه گردد و نقش بسیار مؤثری در برقراری و ایجاد یک نظم درون‌زا در جامعه داشته باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، باید بین آثار اخلاق اسلامی و غیراسلامی، بر تشکیل و تقویت سرمایه مذهبی و درپی آن، سرمایه اجتماعی تفاوت قائل شد. حسینی (۱۳۹۱)، در تحلیل نگرش آیت‌الله جوادی‌آملی، نسبت به توسعه دو دسته رفتار اخلاقی منجر به توسعه را برای مکتب اسلامی و مکاتب غیراسلامی معرفی کرده است: ۱. الگوی پیشرفت تکاثری، که در آن هنجارهای اخلاقی مبتنی بر نگرشی است که غایت زندگی را لذت و رفاه دنیوی می‌داند. بنابراین، کار از آن جهت که موجب رنج و زحمت است، نامطلوب تلقی می‌شود و ضرورت آن، صرفاً از این جهت است که کسب لذت و فراهم نمودن وسایل راحتی، بدون کار ممکن نیست. ثانیاً، به دلیل انکار مبدأ و معاد و یا بی‌تأثیر بودن باور به آنها در تنظیم امور زندگی، مجالی برای عبادت بودن کار و تولید نمی‌دهد. براین اساس، قاعده اساسی در انتخاب مقدار، نوع و کیفیت کار و کالای تولیدی، تحمل کمترین زحمت و انتظار بیشترین نتیجه برای کسب لذت خواهد بود. با پیروی از این قاعده، به دلیل وجود عنصری چون حرص و عجزول بودن در طلب مال و ثروت و علاقه شدید به آن، ممکن است پیشرفتی که حاصل می‌شود، به لحاظ مقداری، زیاد و از نظر زمانی پرشتاب باشد، اما به دلیل اینکه در درون الگو، عنصری برای هدایت و کنترل کار و تولید، به سمت رعایت مصالح اجتماع و دیگران و رعایت محیط زیست و مانند آن وجود ندارد، هیچ تضمین خودکاری برای پایداری پیشرفت و حفظ جامعه از آسیب‌های احتمالی رشد تولید، وجود نخواهد داشت. ۲. الگوی کوثری بر هنجارهایی تأکید دارد که موجب دستیابی به قاعده «کوشش در تولید و قناعت در مصرف» می‌شوند تا رشد پایدار اقتصادی رخ دهد. پیروی از این قاعده، مستلزم جاری شدن رفتارهای اجتماعی و اخلاقی مبتنی بر حاکمیت ارزش‌های الهی و دینی می‌باشد. در واقع، رشد و توسعه کوثری در درون خود، متضمن رشد مستمر تولید، پیشرفت فنی، شکوفایی علمی و فراوانی امکانات رفاهی است. درعین حال، بر اخلاق و ارزش‌های الهی نیز مبتنی است. این ویژگی به آنها تأثیر و نفوذ بیشتری می‌بخشد. به علاوه این پستوانه دینی و الهی، مدیریت تضاد منافع را در جامعه تسهیل می‌کند. بنابراین، هنجارهای اخلاقی تکاثری تنها بر تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی مادی گرایانه منتهی به حداکثر لذت مادی مؤثر واقع می‌شود. به دلیل ابتناء این هنجارها، بر جهان‌بینی مادی (توأم با نفی مبدأ و معاد)، در کشاکش تعارض منافع مادی افراد و گروه‌ها کم‌تأثیر و به تدریج بی‌تأثیر می‌شود.

ارتباط اخلاق و مدل‌های رشد

با توجه به مبانی نظری مورد نظر و سایر مطالعات، تأثیرگذاری اخلاق بر رشد اقتصادی و مدل رشد قابل درک می‌باشد. نظریه‌پردازان اقتصادی پذیرفته‌اند که فرایند توسعه اقتصادی جامعه، اگر با ارزش‌های اخلاقی همراه و سنخیت داشته باشد، با قوام‌تر و پایدارتر خواهد بود (رحیمی بروجردی، ۱۳۹۱).

الف. هنجارهای اخلاقی و رشد اقتصادی

رحیمی بروجردی (۱۳۹۱)، بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی ضمن شکل‌دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی و رفتاری هر جامعه به رفتار افراد نیز شکل داده و کمک می‌کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی بتوانند با هم و در تعامل با یکدیگر، به رشد و پویایی جامعه کمک کنند. نگرش‌های مذهبی افراد جامعه، یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که موجب ایجاد هنجار اخلاقی و نوع رفتار آنان می‌شود. هنجارهای اخلاقی در قالب سرمایه مذهبی می‌توانند بر بسیاری از شاخص‌های توسعه اقتصادی، از جمله توزیع درآمد، مصرف، رفاه، رشد اقتصادی و غیره اثر مثبت داشته باشند. برای این ادعا، شواهدی از مطالعات متعدد همچون آیاناکنه و کلیک (Iyanaccone & Click) (2003) و پالدام (paldam) (۱۹۹۹) بیانگر این است که سرمایه مذهبی، شامل ارزش‌های اخلاقی با اثری که بر سرمایه‌های اقتصادی می‌گذارد، می‌تواند به صورت غیرمستقیم نیز بر تولید و رشد اثرگذار باشد. این اثر، از طریق اثر مثبت بر بهره‌وری نهایی نیروی انسانی و با کاهش هزینه مبادله سبب کاهش ناطمینانی شده و می‌تواند موجب رشد گردد. بنابراین، وجود رابطه مستقیم اخلاق، سرمایه مذهبی و سرمایه اجتماعی قابل درک است.

ب. اخلاق و مدل رشد

چنان که گفته شد، هنجارهای اخلاقی مثبت، به‌ویژه هنجارهایی که منشأ و پشتوانه دینی دارند، رابطه‌ای مستقیم با سرمایه انسانی داشته و ضمن اثر مستقیم بر سرمایه اجتماعی، سایر عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی را نیز تقویت می‌کند. از این‌رو، رشد افزایشی سرمایه اجتماعی هم بر تقویت خود مؤثر است و هم بر سایر عوامل مؤثر بر رشد اثر مثبت می‌گذارد که ردپای اخلاق را نیز می‌توان در اکثر فضاهای مربوط به سرمایه اجتماعی مشاهده کرد.

پیش از ورود به مباحث ریاضی ارتباط اخلاق و رشد، بیان دو نکته ضروری است: ۱. همان‌گونه که ذکر شد، برای رسیدن به رشد پایدار مادی و معنوی، باید هنجارهای اخلاقی کوثری در جامعه اسلامی متجلی و متبلور شده و تقویت گردند. ۲. در خصوص انگیزه رفتار فعالین اقتصادی اسلامی، اظهارات گوناگونی توسط اقتصاددانان اسلامی مطرح گردیده، و به‌طور کلی محوریت رویکرد مطلوبیت‌گرایانه مادی صرف در رفتارهای اقتصادی مردود دانسته شده است. باین‌حال، پیگیری مطلوبیت‌گرایانه سرجمع لذت‌های مادی و معنوی را پذیرفته‌اند. مانند عزتسی (۱۳۸۹)، که هدف قرار دادن بیشینه‌سازی سود برای رفتار مسلمانان را تنها برای ساده‌سازی تحلیل مفید دانسته و به‌طور پیش‌فرض انگیزه واقعی را کسب رضایت خاطر (مطلوبیت) دو دنیا می‌داند. برخی مانند اقبال (۱۹۹۲)، انگیزه را بیشینه‌سازی سود در چارچوب اخلاق اسلامی دانسته و یا برخی مانند یونس مصری (۲۰۰۱)، انگیزه بیشینه‌سازی سود مقید به رعایت ارزش‌های اسلامی را جایز می‌شمارد.

باین حال، بحث در مورد نظام اخلاق هنجاری اسلامی، بحث مستقلی می‌طلبد. اما در اینجا که هدف نشان دادن اثر هنجارهای اخلاقی، به‌ویژه اخلاق اسلامی بر رشد است، استفاده از چارچوب مطلوبیت‌گرا مشکل ایجاد نمی‌کند. روشن است این مطلوبیت‌گرایی، با مطلوبیت‌گرایی متعارف تفاوت جدی دارد؛ زیرا در اینجا مطلوبیت صرفاً مادی و این دنیایی نیست. گذشته از این، برای مطالعات اولیه در این زمینه، استفاده از این چارچوب ساده‌تر است و امکان مقایسه با مدل‌های متعارف را فراهم می‌کند.

برای نشان دادن تأثیرگذاری اخلاق، بخصوص هنجارهای اخلاقی بر رشد اقتصادی، با مفروض دانستن سرمایه اجتماعی به‌عنوان مفهوم دربرگیرنده سرمایه معنوی مشتمل بر هنجارهای اخلاقی، می‌توان گفت: حاکم شدن سرمایه مذهبی متشکل از هنجارهای اخلاقی در جامعه، گذشته از اینکه خود نوعی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، می‌توان آن را متغیری مؤثر بر سرمایه اجتماعی لحاظ کرد. مطالعات متعدد، بیانگر نقش این هنجارها از طریق تقویت سرمایه مذهبی در شکل‌گیری و رشد سرمایه اجتماعی می‌باشند.

با در نظر گرفتن هنجارهای اخلاقی (هنجارهای اخلاقی و حیانی و تحریف نشده) در قالب سرمایه مذهبی که خود جزئی از سرمایه اجتماعی جامعه می‌باشد. با توجه به رابطه ۲ داریم:

$$3. K_{sc} = f(E, F, V, \theta).$$

شبکه F ، نمایانگر تعامل با دوستان نزدیک و خانواده و V ، بیانگر شبکه‌هایی شامل تعامل با افرادی در طبقات اجتماعی دورتر است. ارزش‌های اخلاقی E ، خود تابعی از عقاید، باورها، قواعد زندگی اجتماعی و غیره می‌باشد و θ سایر عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. می‌توان E را به صورت رابطه ۴ در نظر گرفت:

$$4. E = f(B, \Omega).$$

B ، بیانگر عقاید و باورها و ارزش‌های اجتماعی است که این باورها و عقاید، می‌تواند ریشه مذهبی یا انسان‌دوستانه داشته باشد و Ω نشانگر تأثیر سایر عوامل بر شکل‌گیری هنجارهای اخلاقی است که بر اساس مطالعات صورت گرفته، اثر عوامل مؤثر بر اخلاق را می‌توان به‌طور کلی مستقیم و مثبت در نظر گرفت. می‌توان B را به دو دسته باورهای مثبت (باورهای صحیح و اخلاقی) $B1$ و باورهای منفی (باورهای غلط و خودخواهانه و مخرب اخلاق) $B2$ تقسیم کرد و چون باورهای غلط، موجب تقلیل ارزش‌های اخلاقی جامعه می‌گردد، رابطه ۴ را به‌صورت زیر در نظر می‌گیریم:

$$5. E = f(+B1, -B2, \Omega) \quad E = B1 - B2.$$

هرچه قدر باورهای حاکم بر جامعه صحیح‌تر، منطقی‌تر و اخلاقی‌تر باشد، E افزایش و هر آنچه وزن $B2$ بیشتر گردد، E کاهش می‌یابد که فرض می‌کنیم $|B_1| < |B_2|$ لذا همواره $E > 0$ می‌باشد، نقش Ω را به‌منظور سادگی تحلیل (و با توجه عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده ارزش‌های اخلاقی در آن) ثابت یا خنثا در نظر می‌گیریم. اینجاست که نقش رهبری ولایی در تبیین ارزش‌های اصیل و حیانی، جایگاه بی‌بدیل خود را نشان می‌دهد. در یک جامعه، به‌ویژه جامعه اخلاق‌مدار اسلامی، افزایش $B1$ از طریق افزایش رفتارهای اخلاقی همچون صداقت، وفای به عهد، اخوت و براءت از اعمال مجرمانه، موجب افزایش E می‌گردد. از طرفی، با جای‌گذاری رابطه ۳ در رابطه ۲ داریم:

$$6. C = (n - f - v - E) w + x, C'_E < 0.$$

در این مورد، ما ورود هنجارهای اخلاقی را به دو صورت تحلیل می‌کنیم:

۱. به‌عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی که می‌باید برای کسب آن مقداری از درآمد افراد جامعه هزینه گردد؛ یعنی رابطه ۶ که در این صورت هزینه آن موجب کاهش درآمد برای مصرف می‌شود. به عبارت دیگر، رعایت ارزش‌های اخلاقی از دو طریق مصرف دوره جاری را کاهش می‌دهد، اولاً فراگیر شدن ارزش‌ها، به‌ویژه ارزش‌های اخلاقی کوثری، با توجه به ماهیتی که دارند، معمولاً موجب بهینه شدن مصرف، در نتیجه کاهش اسراف و تبذیر می‌شود. ثانیاً افراد با رعایت این ارزش‌ها مقدار بیشتری از درآمد خود را صرف اعمال خیرخواهانه می‌کنند. در واقع ایجاد سرمایه دینی مبتنی بر اخلاق، مثل تمام سرمایه‌گذاری‌ها مستلزم هزینه می‌باشد که فرض می‌شود در دوره جاری این هزینه معمولاً با کاهش هزینه‌های مصرفی تأمین می‌شود. از این‌رو، درآمد تخصیص‌یافته به مصرف کاهش می‌یابد، نه اصل درآمد افراد.

۲. در مرحله بعد، رعایت اصول اخلاقی منجر به افزایش اثر مثبت سرمایه اجتماعی بر تولید و درآمد می‌شود. می‌توان این امر را به این صورت تفسیر کرد که افزایش سرمایه اجتماعی را نوعی سرمایه‌گذاری فرض کرده و هزینه آن را نوعی پس‌انداز بدانیم. آنگاه می‌توان افزایش تولید و درآمد و مصرف در دور بعدی را عقلایی دانست. برای تحلیل روابط بالا فرض کرده‌ایم اولاً، هنجارهای اخلاقی بر اساس باورهای شخصی هر فرد شکل می‌گیرد که قاعده‌تاً به‌طور محسوسی بر تخصیص درآمد وی (بین مصرف، امور خیرخواهانه و سرمایه‌گذاری) اثر می‌گذارد. آن‌گاه با گسترش این باورها و رفتارها در بین افراد جامعه، سرمایه‌ای اجتماعی مشتمل بر سرمایه دینی رشد می‌کند. بدین‌وسیله، این کنش کلان از زیربنای خردی نسبتاً گویایی برخوردار می‌شود.

از آنجایی که ارزش‌های اخلاقی را نوعی سرمایه اجتماعی دانسته و عاملی بسیار مهم در تقویت سرمایه اجتماعی می‌دانیم، اثر اخلاق بر سرمایه اجتماعی را به‌صورت نمایی و توان بزرگتر از یک نیز می‌توان نشان داد؛ یعنی رابطه ۷:

$$7. k_{sc} = f(E^Y, F, V, \theta).$$

که γ بزرگتر از یک می‌باشد. این عمل وزن ارزش‌های اخلاقی در افزایش سرمایه اجتماعی را به‌صورت اثری نمایی نشان می‌دهد. قابل توجه است برای اینکه سرمایه اجتماعی وارد مدل رشد شود، باید مدل فوق از ویژگی‌های درون‌زایی بهره‌بردار. چون مفهوم سرمایه اجتماعی این امر را طلب می‌کند. بدین‌منظور، با استفاده از تابع تولید دبرتین (debertian function) که نوعی تابع کاب داگلاس است (ر.ک: اکبری و دلیری، ۱۳۸۸) تجزیه و تحلیل را ادامه می‌دهیم. بر اساس فرض، یک قسمت از تولید برای مصرف و قسمت دیگر از آن برای سرمایه‌گذاری خرج می‌شود و سرمایه اجتماعی در پی تغییر در سرمایه انسانی حاصل می‌شود. از این‌رو، داریم:

$$8. k'p = f(k) - C - \&p kp, \frac{\partial k'p}{\partial f(k)} \geq 0, \frac{\partial k'p}{\partial C} < 0.$$

که C میزان مصرف و یکی از اجزای تشکیل‌دهنده سرمایه انسانی و $\&p$ نرخ استهلاک سرمایه فیزیکی، kp تغییرات سرمایه فیزیکی و $f(k)$ تولید را نشان می‌دهد، مفهوم رابطه ۸ این است که تغییر در موجودی، سرمایه فیزیکی برابر با

میزان تولید منهای مصرف و استهلاک سرمایه فیزیکی می‌باشد. بخشی از مصرف، برای تشکیل سرمایه انسانی در خانوار مورد استفاده قرار می‌گیرد و بخش دیگر، تغییر در سرمایه انسانی از طریق تغییرات مثبت در سرمایه اجتماعی حاصل می‌گردد، میزان سرمایه اجتماعی که سرمایه انسانی را تشکیل می‌دهد، به وسیله تابع D در رابطه ۹ نشان داده می‌شود.

$$9. k'h = h(c) + D(ksc), \frac{\partial k'h}{\partial h(c)} \geq 0, \frac{\partial k'h}{\partial D(ksc)} \geq 0$$

که k_h تغییرات سرمایه انسانی و $h(c)$ میزان مصرف تشکیل دهنده سرمایه انسانی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، تغییرات سرمایه اجتماعی در اقتصاد در پی تغییر سرمایه انسانی حاصل می‌شود. از این رو، داریم:

$$10. \frac{\partial k'h}{\partial Q(k_h)} \geq 0, k'_{sc} = Q(kh) - \&_{sc} k_{sc}$$

که $\&_{sc}$ میزان استهلاک در سرمایه اجتماعی و $Q(kh)$ ، میزان تولید تخصیص یافته به سرمایه انسانی و k_{sc} تغییرات سرمایه اجتماعی می‌باشد. میزان ذخیره در تشکیل سرمایه نیز به صورت رابطه ۱۱ تعریف می‌شود:

$$11. k = k_p^\alpha k_h^\beta k_{sc}^\chi \cdot e^{\alpha_1 k_p + \beta_1 k_h + \chi_1 k_{sc} + v_1 k_{sc} k_p + v_2 k_{sc} k_h}$$

رابطه ۱۱، به نحوی تعریف شده که ضمن نشان دادن موجودی سرمایه مشتمل بر هر سه نوع سرمایه رایج، اثرپذیری این سرمایه‌ها از یکدیگر را در حین تشکیل سرمایه نیز نشان دهد. همچنین، با تعریف ضرایب v_1 و v_2 در توان e اثرگذاری تولید نهایی سرمایه اجتماعی بر افزایش تولید نهایی سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی لحاظ گردیده است. اگر از رابطه فوق لگاریتم و سپس، مشتق بر حسب زمان گرفته شود، نرخ رشد موجودی سرمایه به صورت رابطه ۱۲ به دست می‌آید:

$$12. \dot{k} = \eta_1 \dot{k}_p + \eta_2 \dot{k}_h + \eta_3 \dot{k}_{sc}$$

مشاهده می‌شود که نرخ رشد (نرخ تغییرات) موجودی سرمایه از حاصل جمع نرخ رشد سه نوع سرمایه مذکور به دست می‌آید. به عبارت دیگر، نرخ رشد موجودی سرمایه تابعی مستقیم از نرخ رشد هر سه نوع سرمایه می‌باشد. در رابطه بالا η_1 بیانگر تولید نهایی سرمایه فیزیکی، η_2 تولید نهایی سرمایه انسانی و η_3 تولید نهایی سرمایه اجتماعی است. با توجه به مطالعات بسیاری همچون کلمن (۱۹۹۰)، استون و همکاران (۱۹۹۹) و سوی میانسا (۲۰۰۷)، که مؤید اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر تولید نهایی سایر سرمایه‌ها است، می‌توان اثر مثبت سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را درک کرد. با توجه به مباحث قبلی که اخلاق به‌ویژه اخلاق مبتنی بر وحی را سرمایه مذهبی و سرمایه مذهبی را مولد سرمایه اجتماعی دانستیم، می‌توان تأثیر اخلاق بر رشد را با تأثیر سرمایه مذهبی و سرمایه اجتماعی، به رشد مشاهده و تفسیر نمود. تأثیر مثبت سرمایه مذهبی و اجتماعی بر بهره‌وری سایر نهاده‌ها و در نتیجه، بر رشد تولید، موجب تقویت اثر سرمایه اجتماعی بر تولید و رشد خواهد شد. با لحاظ رابطه ۶ و ۷ و بازنویسی رابطه ۱۰ خواهیم داشت:

$$13. k'_{sc} = Q(k_h) + \Delta(E^v + f + v) - \&_{sc} k_{sc}$$

رابطه فوق، تأثیر مثبت E, f, v و سرمایه انسانی بر سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد؛ یعنی:

$$\frac{\partial k'_{sc}}{\partial k_h} > 0 \text{ و } \frac{\partial k'_{sc}}{\partial E} > 0 \text{ و } \frac{\partial k'_{sc}}{\partial f} > 0 \text{ و } \frac{\partial k'_{sc}}{\partial v} > 0 \text{ با توجه به رابطه ۹، اثر مثبت اخلاق بر سرمایه}$$

انسانی و با توجه به رابطه ۶ و ۸، اثر مثبت اخلاق بر موجودی سرمایه فیزیکی از طریق تغییر در مصرف و اثر مثبت اخلاق بر موجودی سرمایه کل، از طریق سرمایه اجتماعی با توجه به رابطه ۱۱ آشکار می‌شود. قابل توجه است

رابطه معکوس E و مصرف در رابطه ۶، دلالت بر محدودیت بودجه فرد یا خانوار دارد؛ یعنی گسترش هنجارهای اخلاقی در جامعه، نیازمند کاهش مصرف و سرمایه‌گذاری است. این سرمایه‌گذاری، به این صورت است که باید هزینه‌های مشهود مصرفی کاهش و هزینه‌های سرمایه‌گذاری نامشهود، در بسط هنجارهای اخلاقی در راستای افزایش ذخیره سرمایه اجتماعی افزایش یابد. با توجه به رابطه ۱۳، موجودی سرمایه اجتماعی را به صورت زیر در نظر می‌گیریم تا تأثیر هنجارهای اخلاقی بر سایر عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی محسوس‌تر باشد.

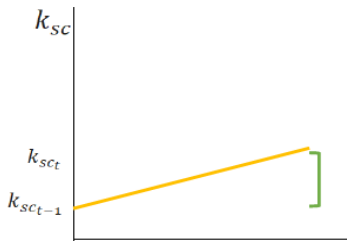
$$14. \dot{K}_{SC} + k_{SCt-1} = k_{SCt}$$

که می‌توان با ثابت در نظر گرفتن استهلاک سرمایه اجتماعی، رابطه فوق را به صورت رابطه ۱۵ نیز نوشت:

$$15. k_{SCt} = (Q(k_h) + E^Y + f + v)_{t-1} + \dot{E}^Y \Delta(Q(k_h) + E^Y + f + v)$$

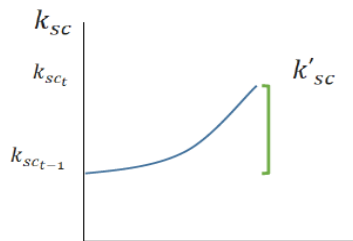
\dot{E}^Y (رشد هنجارهای اخلاقی مثبت) به عنوان شیب تابع موجودی سرمایه اجتماعی با فرض تقویت تغییرات مثبت، عوامل مؤثر بر تغییرات سرمایه اجتماعی توسط رشد هنجارهای اخلاقی وارد مدل شده است که نمودارهای ۱ و ۲، نقش هنجارهای اخلاقی مثبت در تغییرات سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهند.

نمودار ۲. رابطه سرمایه انسانی و اجتماعی به صورت نامی



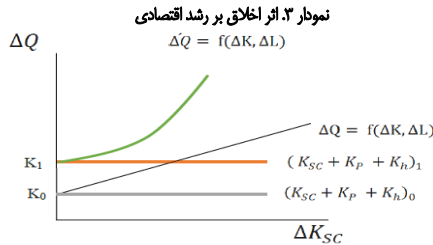
$Q(k_h) + f + v$

نمودار ۱. رابطه سرمایه انسانی و اجتماعی به صورت خطی



$E^Y + f + v + Q(k_h)$

در نمودار ۱، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی، به اضافه تعاملات در قالب شبکه‌های اجتماعی، با فرض خطی بودن نشان داده شده است. در نمودار ۲، با اضافه شدن هنجارهای اخلاقی مثبت، تابع تغییرات سرمایه اجتماعی به صورت نامی تبدیل شده و با توجه به فرض $0 < Y$ ، شیب این تابع فزاینده لحاظ گردیده و از آنجایی که هنجارهای اخلاقی مثبت، بر ذخیره سرمایه انسانی و سایر عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی نیز اثر می‌گذارند، به جز شیب، عرض‌ازمبدأ تابع سرمایه اجتماعی نیز نسبت به نمودار ۱ افزایش یافته است. این امر دلالت بر افزایش ذخیره سرمایه اجتماعی دارد. همان‌طور که بیان شد، مکانیزم این فرایند به گونه‌ای است که ابتدا با رشد هنجارهای اخلاقی مثبت، هزینه‌های تخصیص یافته به مصرف کاهش، هزینه‌های خیرخواهانه افزایش، باورها و اعتقادات به مبدأ و معاد، موجب تقویت سرمایه مذهبی می‌گردد، آنگاه این سرمایه دینی در کنار سایر عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی، موجب رشد سرمایه اجتماعی می‌گردد. این تغییرات سرمایه اجتماعی، در ابتدا موجودی سرمایه کل جامعه را افزایش داده و به سمت ذخیره مطلوب سوق می‌دهد. سپس، با اثرگذاری متقابل بر سرمایه انسانی، کارایی نیروی کار را افزایش می‌دهد. بنابراین، اثرگذاری اخلاق بر رشد اقتصادی را در نمودار ۳ می‌توان بررسی کرد.



در نمودار ۳ مشاهده می‌شود، با تغییرات مثبت سرمایه اجتماعی، میزان تولید ملی افزایش می‌یابد. اما زمانی که سرمایه اجتماعی شامل هنجارهای اخلاقی نمی‌باشد، ذخیره سرمایه معادل K_0 بوده و تغییرات تولید ملی به صورت خط راست ΔQ ؛ یعنی با شیب ثابت می‌باشد. اما زمانی که هنجارهای اخلاقی مثبت، وارد تابع سرمایه اجتماعی می‌شوند، ابتدا ذخیره حقیقی سرمایه کل به K_1 افزایش یافته و در نتیجه، پایه تولید ملی نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، به دلیل حضور E^Y ، تغییرات تولید ملی شتاب بیشتری می‌گیرد؛ یعنی با یک واحد افزایش در E میزان تغییر در سرمایه اجتماعی و در نتیجه، ذخیره سرمایه کل جامعه و در ادامه، میزان تولید ملی بیش از یک واحد افزایش می‌یابد. شیب این تغییرات، موجودی سرمایه و تولید به دلیل اثرگذاری هنجارهای اخلاقی، بر هر دو عامل عمده تولید، به صورت فراینده است که با منحنی ΔQ نشان داده شده، روشن است که این افزایش تولید ملی بالقوه و تولید ملی بالفعل، به نوعی نمایشگر شدت رشد اقتصادی با اضافه شدن E به عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و تحلیل‌های عقلی و ریاضی، می‌توان نتایج زیر را به دست آورد:

۱. هنجارهای اخلاقی، به‌ویژه هنجارهای اخلاقی و حیانی، ارتباطی قوی با روابط اقتصادی و مستقیم با رشد اقتصادی دارد.
۲. با توجه به وجود ارتباط مثبت اخلاق و سرمایه اجتماعی و ارتباط سرمایه اجتماعی با مدل‌های رشد، می‌توان اخلاق را به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی و یا جزئی از سرمایه اجتماعی وارد مدل رشد کرد.
۳. ورود عامل اخلاق از دو طریق بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. الف. هنجارهای اخلاقی و حیانی، موجب افزایش بهره‌وری نهاده‌های تولید و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. ب. هنجارهای اخلاقی و حیانی، می‌تواند بر رفتار مصرف‌کننده اثر گذاشته و موجب افزایش صرفه‌جویی، افزایش تمایل به پس‌انداز و انباشت سرمایه و البته جلوگیری از اتلاف منابع گردد.
۴. ورود عامل اخلاق از طریق هنجارهای اخلاقی و حیانی در مدل‌های رشد، موجب می‌شود هم سطح رشد و هم نرخ رشد اقتصادی افزایش یابد.

۵. این مطالعه قطعاً گام کوچکی در مسیر ورود اخلاق اسلامی در مدل‌های رشد است که خود مستلزم تحقیقات زیادی است. این تحقیقات هم شامل تحقیقات در حوزه فلسفه اخلاق می‌شود که زیربنای اخلاق هنجاری اسلامی را مشخص کند و هم شامل مدل‌سازی‌های گسترده‌تر برای ورود عوامل و عناصر بیشتری در مدل است. آنگاه عرصه عمل و محک تجربه نیز می‌تواند مدل‌های ارائه شده را رشد و تکامل بخشد.

- ابریشمی، حمید و داوود منظور، ۱۳۷۸، «تحلیل مقایسه‌ای الگوی رشد نئوکلاسیک و درون‌زا»، تهران، *تحقیقات اقتصادی*، ش ۵۵، ص ۶۴-۲۷.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۲۳ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، بیروت، مؤسسه علمی.
- افخمی اردکانی، مهدی و عبدالله توکلی، ۱۳۹۵، «توسعه سرمایه اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی در پرتو سبک زندگی اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۱۹، ص ۵۶-۳۱.
- اکبری، نعمت‌الله و حسن دلیری، ۱۳۸۸، «تبیین مدل رشد درون‌زای اقتصادی، با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی (اقتصاد ایران دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۵)»، در: *مجموعه مقالات همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی*، سمنان.
- بارو، رابرت ج و سالامی-ای مارتین، خاور، ۱۳۹۶، *رشد اقتصادی*، ترجمه مهدی تقوی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پژوهان، جمشید و مرجان فقیه نصیری، ۱۳۸۸، «اثر رقابت‌مندی بر رشد اقتصادی با رویکرد الگوی رشد درون‌زا»، *پژوهش‌های اقتصادی*، ش ۳۸، ص ۹۷-۱۳۲.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، چ دوم، قم، دار الکتب اسلامی.
- تودارو، مایکل، ۱۳۷۸، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، چ هشتم، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- جونز، هابول، ۱۳۷۰، *رشد اقتصادی (نظریه‌ها الگوها و واقعیت)*، ترجمه صالح لطفی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- حسینی، سیدرضا، ۱۳۹۱، «توسعه کوثری در چهارچوب اخلاق الهی: از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، *اسراء*، ش ۱، ص ۶۱-۹۳.
- خداویسی، حسین و احمد عزتی، ۱۳۹۴، «اخلاق در نظام‌های اقتصادی سرمایه داری، سوسیالیستی و اسلام»، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ش ۱۲، ص ۹۳-۱۲۰.
- رحیمی بروجردی، علیرضا، ۱۳۹۱، *اقتصاد اخلاقی*، تهران، نور علم.
- رنانی، محسن و حسن دلیری، ۱۳۸۸، «آیا سرمایه اجتماعی واقعا سرمایه است؟»، *راهبرد یاس*، ش ۱۹، ص ۱۴۷-۱۷۰.
- ، ۱۳۸۹، «اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی: تبیین چارچوب نظری»، *سیاست‌گذاری اقتصادی*، ش ۴، ص ۳۳-۵۶.
- سوری، علی و نارد مهرگان، ۱۳۸۶، «نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه اجتماعی»، *پژوهشنامه بازرگانی*، ش ۴۲، ص ۲۰۷-۲۱۹.
- سوری، علی، ۱۳۹۳، «سرمایه اجتماعی و رشد در ایران»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ش ۶۹، ص ۴۹-۶۴.
- شعبانی، احمد و همکاران، ۱۳۹۲، «اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی: مطالعه کاربردی مناطق ایران»، *برنامه‌ریزی و بودجه*، ش ۲، ص ۱۲۷-۱۶۱.
- عزتی، مرتضی، ۱۳۸۹، «تبیین رفتار تولیدکننده مسلمان»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۹، ص ۳۵-۶۲.
- عسگری، محمدمهدی و ابوالقاسم توحیدی‌نیا، ۱۳۸۶، «تأثیر سرمایه اجتماعی (معنوی و مذهبی) بر رشد و توسعه اقتصادی»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۸، ص ۱۰۱-۱۲۱.
- علامه، سیدمحسن و همکاران، ۱۳۹۵، «تأثیر سرمایه اجتماعی بر تسهیم دانش و سرمایه فکری»، *مطالعات مدیریت*، ش ۸۰، ص ۱۱۸-۱۰۱.
- غفاری، هادی و همکاران، ۱۳۹۴، «بی‌ثباتی اجتماعی و رشد اقتصادی، تحلیلی بر اساس الگوی ARDL»، *پژوهش‌های اقتصادی*، ش ۵۰، ص ۲۵-۵۰.
- غفورزاده، حسین، ۱۳۹۴، «معیار اخلاقی فعالیت‌های اقتصادی از دید آیه‌های اقتصادی قرآن کریم»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۶۰، ص ۲۷-۵۴.
- الفتی، سمن و النا بابایی، ۱۳۸۱، «بررسی مدل رشد درون‌زا در اقتصاد ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی*، ش ۵، ص ۱۶۹-۱۸۴.
- قمی، شیخ‌عباس، ۱۳۴۴ق، *سفینه‌الابحار و مدینه‌الحکم والاثر*، قم، دارالاسوه.

- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب اسلامییه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۴، *بحارالانوار*، چ دوم، تهران، دارالکتب اسلامییه
- مصباحی مقدم، غلامرضا و همکاران، ۱۳۹۲، «مؤلفه‌های رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱، ص ۶۱-۹۰.
- مهرگان، نادر و حسن دلیری، ۱۳۸۹، «نقش سرمایه مذهبی در توسعه اقتصادی»، *راهبرد یاس*، ش ۲۱، ص ۱۱۹-۱۴۱.
- مهرگان، نادر و لیلی سلطانی، ۱۳۹۳، «مخارج تحقیق و توسعه بهره وری کل عوامل تولید بخش صنعت»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ش ۵، ص ۱-۲۴.
- یونس مصری، رفیق، ۲۰۰۱، *بحوث فی الاقتصاد الاسلامی*، سوریه، دارالمکتبی.
- Aguilera, gun carlos, 2016, *Social Capital and Economic Growth*, Lund University.
- Aguilera, Michael Bernabe, 2002, "The Impact of Social Capital on Labor Force Participation: Evidence from the 2000 Social Capital Benchmark Survey", *Social Science Quaternary*, Vol. 83, No. 3.
- Smulders, Sjak & Beugelsdijk, Sjoerd, 2004, *Social Capital & Economic Growth*, Tilburg Univ.
- Coleman, James, 1990, *Foundation of Social Theory*, Harvard University Press.
- Iyanaccone, Laurence & Click, Janathon, 2003, *Spiritual Capital: An Introduction & Literature Review*, American Enterprise Institute.
- Iqbal, Munawar, 1992, "Organization of Production and Theory of Firm Behaviour from an Islamic Perspective", in: *Lectures on Islamic Economics*, Ausaf Ahmad and Kazim Raza Awan (Ed.). Jeddah: Islamic Research and Training Institute, IDB
- Field, J, 2003, *Social Capital*, Rutledge Taylor & Francis Group, London and New York.
- Fukuyama, F, 1995, *Trust: Social Virtues and the Creation of Prosperity*, New York: Free Press.
- _____, 1999, "Social Capital and Civil Society", *Generation Reform*, Conference on Second external Pubs/ft/seminar/1999/reforms/fukuyama.htm/www.imf.org.
- The world bank group, 1997&2000, *Social capital for development*, www.worldbank.org.
- Paldam, Martin (1999) Corruption and Religion Adding to the Economic Model? Center for Dynamic Modeling in Economics, Working Paper No. 21.
- Riley, G, 2012, *Social Capital, Social Networks and Economic Development*, available at: <http://www.tutoru. Net/bloy/index.php/economics>.
- Hierppe, Reino, 2003, *Social Capital and Economic Growth: International conference on social capital*, tn statute of Iapanese Government, Martch24-25.
- Guiso, L. & Lui Gi Zingales, 2001, "The Role of Social Capital in Financial Development", *NBER working paper*, No. 8353.
- Simon & Others, 2016, "Ethical Image, Corporate Social Responsibility, and R & D valuation", *Pacific-Basin Finance Journal*, No. 40, P 335-348.
- Carlos Andres Moreno- Hurta do and other, 2018, "A Simplified Endogenous Economic Growth Model with social: Evidence for Ecuador", *Business and Economic Horizons*, Vol. 14, P 168-184.
- Hans Westlund & Frane Adam, 2010, "Social Capital and Economic Performance: A Meta-analysis of 65 Studies", *Europen Planning Studies*, Vol. 18, No. 6, P 893-919.
- Norbert Götz, 2015, "Moral Economy: its Conceptual History and Analytical Prospects", *Journal of Global Ethics*, Vol. 11, No. 2, P 147-162.
- Thompson, Maria, 2015, social capital, Innovation , NIPE, 4710-057 Braga Portugal.
- Rai, Sumant, 2012, *Essays on Social and Economic Growth*, University of Washington.
- Iyer, Sriya and Others, 2005, "Social Capital, Economic Growth and Regional Development", *Regional Studies*, Vol. 39, No. 8, P 1015-1040.